

اشکال مرحوم حائری بر مقدمه موصله (بنا بر تقریر مرحوم صاحب فصول)

مرحوم حائری در کنار اشکال های مطرح شده، اشکال دیگری را بر مبنای مقدمه موصله وارد می کند، حضرت امام اشکال را چنین تقریر می کنند:

«و منها لزوم كون ذی المقدمه مقدمه لمقدمته، فيتعلق به الوجوب الغیری، بل وجوبات غیریه بعدد المقدمات، بل يلزم أن يجب ذو المقدمه الموصل إلى نفسه و لو بوسط، و هو أفحش.»^۱

توضیح:

۱. اشکال: اگر ذی المقدمه، مقدمه ای شود برای پیدایش مقدمه موصله [طبق مبنایی که می گفتیم مقدمه عبارت است از «ذات مقدمه + ایصال به ذی المقدمه» و لذا ذی المقدمه داخل در مقدمه می شود]:
۲. در این صورت چون مقدمه های متعدد هستند و همه هم موصله هستند پس ذی المقدمه به تعداد مقدمات، دارای وجوب غیری می شود.

مرحوم حائری سپس به ان قلت و قلتی اشاره می کنند:

لا يقال: ان المطلق عين المقيد وجودا في الخارج و ليس مقدمه له حتى يجب بوجوبه.
لانا نقول: فرق بين القيود المتحدة في الوجود مع المقيد كما في الفصول اللاحقة للاجناس، و القيود المغايرة في الوجود له كما اذا امر المولى باتيان زيد المتعقب بعمره اعنى اتيان زيد المتصف بهذا العنوان، لا اشكال في ان الواجب على الصورة الاولى امر واحد في الخارج لا ينفك القيد فيها عن المقيد و لو اراد المكلف امتثاله، و لا وجه للقول بانه يجب ايجاد المطلق مقدمه لايجاد المجموع و ايجاد القيد مقدمه لايجاده، اذ المفروض وحدة الوجود فيهما و لا يعقل التفكيك بين امرين متحدين في الوجود بالسبق و اللحق، كما انه لا ينبغي الاشكال في ان الواجب على الثانية ايجاد ذات المطلق ثم ايجاد القيد ليتصف به المقيد لان المفروض تغايرهما في الوجود.

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۹۴.



إذا عرفت هذا فنقول: لا اشكال في ان التقييد في المقدمة الموصلة من قبيل الثاني، لان ما يصير منشأ
لانتزاع صفة الايصال هو وجود الغير، فلو وجب عليه المقدمة المقيدة بوصف ينشأ من وجود الغير
فالواجب عليه من باب المقدمة ايجاد ذات المقدمة ثم اتيان ما يوجب اتصافها بتلك الصفة.»^١

توضیح:

١. ان قلت: وجود خارجي مطلق (ذات وضو) عين وجود خارجي مقيد (ذات وضو + ايصال) است. پس
مطلق مقدمه وجودی مقید نیست.
٢. قلت: قيود دو گونه اند: نوع اول آن دسته از قيود هستند که وجودی غير از وجود مقيد ندارند مثل فصل
برای جنس.
- و نوع دوم: قيودی که وجودشان مغاير با وجود مقيد است (مثل اینکه مولا بگوید زيد را در حالی بياور
که بعد از عمر و آورده شود)
٣. در نوع اول، وجود فصل و جنس یکی است و لذا ايجاد جنس مقدمه ايجاد نوع است، ولی در نوع دوم،
مقيد و قيد دو وجود متغاير دارند.
٤. و تقيد در مقدمه موصله از نوع دوم است.

پاسخ حضرت امام به اشکال مرحوم حائری:

«و جوابه: أن القائل بهذه المقالة يقول: إن ما يتعلّق به الوجوب الغيريّ هو المقدّمة مع قيد الإيصال إلى
ذی المقدّمة، فلا بدّ فيه من جهتين:
الأولى كونه موقوفا عليه، و الثانية كونه موصلا إلى ذی المقدّمة، و نفس ذی المقدّمة لا يكون موقوفا
على نفسه، و لا يكون موصلا إلى نفسه، فلا يتعلّق به الوجوب الغيريّ، و توقّف وصف المقدّمة على
وجوده لا يوجب تعلق الوجوب به.»^٢

١. در الفوائد (طبع جدید)، ص ١١٨.

٢. منهاج الوصول إلى علم الأصول، ج ١، ص ٣٩٤.



توضیح:

۱. کسیکه به مقدمه موصله قائل می باشد، می گوید آنچه واجب می شود عبارت است از «مقدمه + ایصال به ذی المقدمه» پس آنچه واجب می شود باید دارای دو ویژگی باشد:
۲. یکی اینکه ذی المقدمه بر آن متوقف باشد، اینکه «موصل به ذی المقدمه» باشد
۳. پس چون نفس ذی المقدمه نه «موقوف علیه» است (یعنی ذی المقدمه بر خودش متوقف نیست) و نه موصل به خودش است، اصلاً وجوب غیری به آن تعلق نمی گیرد.

ما می گوئیم:

۱. آنچه در پاسخ به بحث دور گفتیم این جا هم مطرح می شود:
آنچه در ذی المقدمه حاصل می شود، وجوب غیری ناشی از وجوبی است که به مقدمه تعلق گرفته است (و نه وجوب غیری ناشی از وجوب نفسی ذی المقدمه)
به عبارت دیگر: اگر گفتیم «ذات مقدمه + ایصال» دارای وجوب است تحقق این واجب متوقف است بر تحقق ذی المقدمه، پس وجود ذی المقدمه «موقوف علیه» است.
۲. اما به نظر می رسد اصل اشکال قابل پاسخ است چراکه جمع وجوب های غیری متعدد در یک شی (چنانکه در بحث اجتماع مثلین گفتیم) بلا اشکال است.
۳. آنچه حضرت امام به آن اشاره دارند می تواند همان فرمایش مرحوم اصفهانی باشد مبنی بر اینکه ایصال، صفت مقدمه است و اصلاً ذی المقدمه در «ذات مقدمه + ایصال به ذی المقدمه» داخل نیست تا بخواهد واجب شود.
اگر گفتیم مراد حضرت امام این است، آنگاه آنچه در شماره ۱ مطرح کردیم بر کلام ایشان وارد نمی باشد.

جمع بندی سخن صاحب فصول:

اگر بحث از مقدمه موصله همین جا خاتمه می یافت می توانستیم یگوئیم: اگرچه ۴ اشکال آخر بر کلام ایشان وارد نیست و برخی از سخنان مرحوم آخوند قابل نقص است؛ ولی کلیت اشکالات مرحوم آخوند بر صاحب فصول وارد است و لذا مقدمه موصله آنگونه که صاحب فصول تقریر کرده اند، باطل است اما مقدمه موصله را برخی از دیگر بزرگان به نوعی دیگر تقریر کرده اند که در ادامه می خوانیم.

